

.....	۳۱۱
.....	۱۸۱
.....	۱۲۲
.....	۲۲۲
.....	۲۲۲
.....	۲۲۲

فهرست مطالب

.....	مقدمه	۷
.....	۱. زمینه تاریخی	۸
.....	۲. زندگانی بوئیوس	۱۰
.....	۳. فعالیت‌های ادبی	۱۹
.....	۴. بوئیوس و نوافلاطونی‌گری	۲۴
.....	۵. رساله‌های کلامی	۲۸
.....	۶. تسلائی فلسفه: ساختار و مضمون	۳۲
.....	۷. منابع	۳۹
.....	۸. تلفیق نظم و نثر	۴۲
.....	۹. اوزان شعری	۴۶
.....	پانوشتها	۶۱
.....	۱. تاریخچه متأخر این کتاب	۵۰
.....	چکیده رساله	۵۷
.....	کتابشناسی	۷۱
.....	دفتر اول	۷۵
.....	دفتر دوم	۱۰۱

دفتر سوم ۱۳۳

دفتر چهارم ۱۸۱

دفتر پنجم ۲۲۱

یادداشت‌های توضیحی ۲۴۹

دفتر اول ۲۴۹

دفتر دوم ۲۶۰

دفتر سوم ۲۷۵

دفتر چهارم ۲۹۶

دفتر پنجم ۳۱۷

مقدمه

خواننده امروزی که کتاب تسلائی فلسفه را به دست می‌گیرد اما به مباحثی که بیش از هزار سال پیرامون آن صورت گرفته است، عالم نیست، با مجموعه‌ای از مسائل گیج‌کننده مواجه می‌شود. آیا این محاوره یک سند معتبر از پاسخ بوئتیوس به محکومیت اخیر و مجازات قریب‌الوقوع اوست، یا این که حال و هوای عمدتاً بی‌تعصب این اثر آن را داستانی استادانه در نظر می‌آورد که هیچ ربطی به تجارب غم‌انگیز نویسنده ندارد؟ اگر برآستی شرح تسلائی است که نویسنده تحت سایه مرگ تصنیف کرده است، در صورتی که پشتیبانی او از اعتقاد مسیحی اساساً بر آموزه‌های فلسفی [اش] اثری می‌گذارد، این اثرگذاری چه اندازه است؟ و اگر بنا بر آن است که این رساله را تأمل جدی و پیچیده فلسفی بدانیم، چرا بوئتیوس برای بررسی مسائل آن صورتی را برگزیده است که تا آن زمان اکثراً در موارد شوخی به کار می‌رفته، یعنی ترکیبی از نظم و نثر که عمدتاً هجو منیپی^۱ را در ذهن تداعی می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤالات لازم است که فعالیت دوران متقدم بوئتیوس در عرصه سیاست، و به خصوص محکومیت او را در عالم پیچیده قرن شانزدهم ایتالیا بررسی کنیم؛ تتبعات فلسفی (و کلامی) او را که همچون چیچروی^۲ عصر خود در سراسر دوران پُختگی‌اش به آنها مشغول بود، و نیز علائق ادبی‌اش را به تمایز از علائق فلسفی، که